

## تحولات سیاسی اخیر عراق و راه حل سیاسی و عملی احزاب کمونیست کارگری عراق و کردستان

بیانیه احزاب کمونیست کارگری عراق و کردستان

همزمان با تصرف شهر موصل توسط داعش و گروه های اسلامی و ناسیونالیستی همکارش، اوضاع سیاسی عراق به مرحله جدیدی قدم نهاده است. این شرایط محصول تغییر توازن قوا در میان جناح های رقیب و دشمن همیگر در اوضاع سیاسی عراق است. مرحله جدیدی که موجب تغییرات سیاسی و اجتماعی بزرگ و تشدید اختلافات و رقابت های سیاسی و امنیتی گوناگون شده است. این شرایط به همراه خود فقر و استیصال مردم عراق را تشدید کرده است.

تغییرات کنونی مرحله ی جدیدی از تاریخ کشمکش سیاسی و نظامی و در واقع جنگ مداومی که ۱۱ سال است در میان جریان های گوناگون بورژوا ناسیونالیست و اسلامی ها جریان دارد، است. این شرایط به دنبال گرفتار شدن مردم سوریه در یک سنایوی سیاه که بیشتر از ۳ سال است ادامه دارد، تجدید حیات و نفس تازه ای یافته است.

عروج داعش و تروریست های القاعده و دیگر نیروهای وابسته به اسلامی ها و قوم پرستان در سوریه و عراق، در نتیجه ی تشدید کشمکش و رقابت های منطقه ای دو بلوک جمهوری اسلامی ایران از طرفی و عربستان سعودی و قطر و ترکیه از طرف دیگر و دخالت ارتجاعی شان برای تعیین مسیر اوضاع سیاسی منطقه اتفاق افتاده است. بعلاوه عروج این نیروهای تروریست در فضا و در چهارچوب عمومی یک بحران کشنده رخ می دهد که همه نیروهای بورژوا ناسیونالیست عربی با گرایش های میانه رو و سرکوبگرش و به همراه امریکا و اروپا، برای تامین نظم و تثبیت نظام ضد انقلاب بورژوایی همکار و طرفدار امریکا و اروپا در خاور میانه انجام می گردد. بحرانی که به دنبال شرایط بعد از انقلابات تونس و مصر بوجود آمده است. اتفاقی که در حال حاضر دارد می افتد ایجاد تغییراتی است در عراق در دل این اوضاع و در رابطه با شکست امریکا در سوریه و تضعیف هم پیمانان منطقه ایش. به این ترتیب تحولات اخیر عراق در بجه ای به روی دخالت و بازی سیاسی امریکا و متحدینش برای تغییرات جدید در کشمکش های سیاسی منطقه می گشاید. ... صفحه ۳

سید سعید

## در غزه، جنگی در کار نیست!

محمد فتاحی

جمعیت محصور در زندان باز غزه، از پیر و جوان و کودک و زن و مرد، شبانه روز توسط یکی از مدرن ترین ارتش های جهان از زمین و هوا و دریا بمباران و هزار هزار به مجموعه کشته و زخمی هایش اضافه میشود. بخش هایی از این شهر به تلی از خاکستر تبدیل شده است. و تعداد خانواده هایی که احدی از آنها زنده نمانده است، پر شمارند. در مقابل این وحشیگری دمکراتیک، تعدادی هم از پشت دیوار زندان، چیزی در حدود هوا کردن فشفشه بطرف زندانبانان، از خود عکس العمل نشان میدهند. مدیای جهان آزاد چنین فاجعه و نسل کشی توسط متحدشان اسرائیل را یک جنگ دوطرفه عنوان میکنند. این ادعای کاذب البته به تنهایی کافی نیست. ربهود شدن سه نوجوان اسرائیلی توسط گروه های ناشناس در فلسطین چاشنی توجیه شروع این جنگ میشود. اینهم کافی نیست. شخص شخصیت رهبر دمکراسی جهان مدعی است که حق با اسرائیل است که امنیتش در خطر و از طرف سازمان حماس مورد حمله و لذا مظلوم واقع میشود!

شیادان و جانینان نپسته بر صندلی های قدرت جهان آزاد به عمد خود را به نفهمی میزنند که شروع جنگ اسرائیل علیه فلسطینیان و آوارگی میلیونی این مردم تاریخی بسیار طولانی تر از عمر حماس و حزب الله پشت سر دارد. نتیجه عملکرد این روح خونخوارانه فقط بی تفاوتی که دفاع از حملات اسرائیل مظلوم زیر عنوان حق دفاع از خود است! اگر سازمان ملل و بقیه ملیجک های دمکراتیک زیر دست قدرت های غربی در مقابل این جنایات حتی به ظاهر هم شده پز مخالفتی نمیگیرند ناشی از همین قورت دادن روح جنایتکارانه دمکراسی و حقوق بشری غرب است. ... صفحه ۲

## اخراج کارگر "افغانی" و مشتی تحریکات نژاد پرستانه

خلد حاج محمدی



بار دیگر تبلیغات نژاد پرستانه وسیعی علیه بخشی از طبقه کارگر ایران به جرم پیشینه افغانستانی و بعنوان "عامل بیکاری، رسما توسط دولت اعتدال آقای روحانی راه افتاده است. "افغان ستیزی و فضای ضد کارگر افغانی در رسانه های مختلف جمهوری اسلامی موج میزند. جواز این تبلیغات نژاد پرستانه و ضد کارگری را دولت معتدل و "محترم" روحانی در بخشنامه ای به بهانه مبارزه با بیکاری صادر کرده است. سیاه روی سفید و بدون یک زره

شرم اعلام کرده اند که "اشتغال اتباع بیگانه ممنوع است. اعلام کرده اند که کارگران افغانی ده درصد بازار کار را اشغال و اخراج آنها باعث اشتغال بیشتر برای کارگر ایرانی است. در مورد این تصمیم آمده است:

"ریاست جمهوری اسلامی با صدور بخشنامه ای، ممنوعیت اشتغال اتباع بیگانه را ابلاغ کرد. همچنین در خود بخشنامه ای که توسط اسحاق جهانگیری معاون اول روحانی به

تاریخ ۲۴ تیر ماه ۱۳۹۳ صادر شده آمده است:  
در راستای سیاست های دولت برای صیانت از نیروی کار داخلی و افزایش میزان اشتغال و به منظور کمک به حل معضل بیکاری و فراهم کردن شرایط ضروری ←

## اخراج کارگر ...

برای ساماندهی اتباع بیگانه، مقتضی است همه دستگاههای اجرایی دولتی و عمومی غیر دولتی و نیز شرکتها و پیمانکاران مرتبط با آنها، کارگران مورد نیاز خود را صرفاً از نیروی کار ایرانی تامین نمایند و در صورت ضرورت بکارگیری نیروی خارجی در موارد خاص، تنها از نیروی کار دارای کارت کار موقت که توسط ادارات زیر مجموعه وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی صادر میگردد با رعایت مقررات مربوط استفاده کرده و از بکارگیری کارگران غیر مجاز تحت هر شرایطی پرهیز کنید.

بعد از این بخشنامه ارگانهای مختلف جمهوری اسلامی دست به کار شده و در مورد چگونگی اجرای آن با هم چک و چانه میزنند. در این میان مثنی محقق و حقوق بگیر ناسیونالیست و ضد کارگر را به میدان آورده اند تا نفع و زیان چنین تصمیمی را بررسی کنند. عمده آنها، بر ارزانی کارگر افغانی، تن دادن آنها به کار شاق، عدم بیمه و نداشتن هیچ مزایای و لذا ارزانی نیروی کار آنها و نفعی که میسرسانند انگشت گذاشته اند.

## مستون ...

تنها نهاد بین المللی که در این باره "شهامت" به خرج داده و سنگ تمام گذاشته ملیجک شورای حقوق بشر سازمان ملل است. کسی که فکر میکند تصمیم این نهاد بین المللی در محکومیت حملات اسرائیل و کشتار فلسطینی ها بوده است، هنوز باید اندر بآب جایگاه حقوق بشر نزد قدرت های غربی و نهادهای زیر مجموعه آنها بیشتر فکر کند. شورای مذکور بعد از روزها بمباران و کشتار، روز چهارشنبه گذشته با صدور قطعنامه ای، کمیته ای را مامور تحقیق نقض حقوق بشر کرده است! دقت کنید. تمام جهان شاهد بزرگترین فاجعه این روزها از طریق تلویزیون است. میلیاردها انسان شبانه روز شاهد بمباران و کشتار و ویرانی در غزه توسط اسرائیل اند و شورای مدافع حقوق بشر در سازمان ملل تازه می خواهد در این باره تحقیق کند! جالب است بدانید که هیچکدام از سیزده عضو اتحادیه اروپا در این شورا به این قطعنامه آبیکی برای تحقیق اندر بآب وقوع جنایت، رای موافق نداده اند و امریکا هم مثل همیشه در کنار فرماندهان جانی ایالت اسرائیلی خود ایستاده است.

دولت و کشور مستقل فلسطین حق بی چون و چرای این مردم است. عملی نشدن این حق یکی از نتایج بی اختیاری انسان و غیبت یک آلترناتیو کارگری در جهان امروز است.

مسئله، بکارگیری کارگر خارجی در موارد خاص از کسانی که کارت کار موقت دارند، در بخشنامه معاون اول روحانی اساساً اشاره به نیاز آنها به کارگر افغانی برای کارهای شاق و خطرناک است. در بسیاری از ابراز نظرات اعلام کرده اند که در کورخانه ها، کار کشاورزی، فاضلاب و... به کارگران افغانی احتیاج است، زیرا که کمتر کارگری حاضر به تن دادن به این کارها است. خبرگزاری مهر از زبان محققین جمهوری اسلامی و مسئولین آنها و از جمله از زبان حسن طائسی، معاون توسعه اشتغال وزارت کار در مورد جایگاه کارگران افغانی چنین نوشته اند:

تحلیل های ارائه شده از سوی کارشناسان حاکی این مسئله است که اتباع بیگانه حاضر در ایران شرایط دشواری برای اشتغال ندارند، ارزان هستند، بهره وری بالاتری دارند، بیمه نمی شوند، حقوق شان پایین است و قدرت مطالبه حق و حقوق را از کارفرمایان ندارند.

جالب اینکه برای پیشبرد این پروژ ضد کارگری علاوه بر ارگانهای رسمی از وزیر کار و وزارتخانه های مختلف تا بسیج و نیروی انتظامی و...، شوراها و اسلامی و کانون عالی انجمنهای صنفی را نیز در کمال ریاکاری و به نام نمایندگی و سخنگوی طبقه کارگر ایران به میدان آورده اند.

اینها همراه رسانه های کرایه شده و ارگانهای دروغ پراکنی دولت اعتدال بورژوازی ایران، پرده ای از نفرت و خارجی ستیزی و نژاد پرستی را علیه چند میلیون کارگر و خانواده های آنها راه انداخته اند. همزمان مثنی مزخرفات دیگر را چاشنی کرده اند تا نفرت و بیزاری و کینه کور را در میان مردم عادی در شهر و محله و کوچه و خیابان علیه بخشی از طبقه کارگر با تحریکات قومی و نژادی زنده کنند. میلیونها انسانی که بیش از سه دهه

است به قیمت ارزان و بدون هیچ قانون حمایتی، در شرایط بردگی کامل در این جامعه کار میکنند و سودهای افسانه ای تولید کرده اند، امروز قاچاقچی، جانی، قاتل و دزد و... معرفی میشوند. تلاش میکنند فضای جامعه را برای زندگی آنها تنگ کنند.

آمارهای رسمی بحث بیش از ۴۰۰ هزار کودک میکنند که به جرم تولد پدرانشان در کشوری دیگر حق تحصیل ندارند. در دوره اخیر و با برداشتن سوبسیدها، دولت جمهوری اسلامی از ترس طغیانهای توده ای مجبور شد برای جبران فشار ناشی از این سیاست، به مردم پولی ناچیز به عنوان یارانه پرداخت کند. اما میلیونها کارگر و خانواده کارگری خارجی از این ناچیز هم محروم شدند. قانون کار کدایی و ضد کارگری که سه دهه است مورد اعتراض آشکار و پنهان طبقه کارگر ایران به عنوان قانون بردگی این طبقه است، تا جایی که به این بخش از طبقه کارگر برگردد، حتی این قانون هم شامل حال آنها نمیشود. با این همه اجحافات، تبلیغات ناسیونالیستهای رنگارنگ ایرانی از حقوق بگیران دولت و رسانه های آنها، تا روشنفکران متحجر و عقب مانده در دفاع از فرهنگ ایرانی و مهمان نوازی آنها و منت گذاری بر این بخش از طبقه کارگر که گویا آنها را با آغوش باز پذیرفته اند، دیگر شرم آور است. امر مسلم اینکه تعرض به طبقه کارگر از جانب دشمنان طبقاتی این طبقه در سراسر جهان همیشه علیه حلقه ضعیف آن که کارگران خارجی باشند به همراه این دست سمپاشها شروع می شود. مبارزه با بیکاری کلاه بزرگری است که سر طبقه کارگر میگذارند. قربانی کردن بخشی از این طبقه، دامن زدن به نفاق و دشمنی در میان کارگران و تحریکات نژاد پرستانه، ابزار کثیف و شناخته شده دشمنان طبقاتی ما به قدمت

تاریخ سرمایه است. در این میان و از جمله، از زاویه دشمنی دولت اعتدال با چند میلیون کارگر و خانواده های آنها، از دریچه زندگی آنها و جهمی که به این بخش از طبقه کارگر تحمیل کرده اند، میتوان چهره کریه دمکرتهای ایرانی و روشنفکران یابوه گوی این دولت که در دفاع از آن گلو پاره میکنند راهم دید. طیف لیبرال ایرانی که زیر عبای روحانی و دولت اعتدال را گرفته اند و هنوز هم از تک و تانفتاده اند، و تلاش جانانه ای بخرج دادند تا این پاره تن وفادار جمهوری اسلامی را تزئین کرده به مردم ایران بفروشد و وعده آینده ای بهتر را سر میدادند، امروز باید فهمید که خودشان از همان کلاف دولت اعتدالند نه کمتر و نه بیشتر. حتی، گفتن خجالت بکشید! به این طیف که در دشمنی با کارگر و هراس از عدالت، دامن هر جانی و آدم کش و هر جک و جانوری را خواهند گرفت حق مطلب را ادا نمی کند. اینها خود دشمنان قسم خورده طبقه کارگر و هر نوع عدالت کارگری هستند.

جای تاسف آنجا است که کل این فضا و برنامه های به غایت ضد انسانی دولت روحانی و مدافعان آن علیه هم طبقه ای های ما، علیه بخشی از همکاران و همسوعان و رفقای ما، که تعرض به کل طبقه کارگر است، بدون اعتراضی جدی و همه جانبه طبقه کارگر پیش می رود. افسار زدن به بورژوازی ایران و جناب روحانی و دولت و دستگاه تحقیق اش علیه کارگر خارجی کاری است که از طبقه کارگر ایران ساخته است. سوال این است که این سکوت و بی تحرکی تاکی شکسته نمیشود و تا کی دولت روحانی در ادامه کار دولتهای دیگر علیه طبقه کارگر سینه چاک می کند؟

در این شک نیست که بخش وسیعی از مردم در اسرائیل خواهان صلح و رابطه ای انسانی و عادلانه با مردم فلسطین اند. در این شک نیست که بخش وسیعی از مردم اسرائیل عمق ظلمی که در این نیم قرن بر مردم فلسطین رفته است را میشناسند و به آن اذعان میکنند. اما این کافی نیست. اسرائیل یک راست قومی و مذهبی بسیار قوی و فعال دارد که مرحله به مرحله و در هر قدم افق یک راه حل انسانی را کور میکند. رابین را اعراب نکشتند، اینها کشتند. این راست باید در یک جدال سیاسی داخلی از طبقه کارگر و سوسیالیسم و ترقی خواهی در این کشور بطور قطع شکست بخورد. این اتفاق هنوز رخ نداده است. بدون این تعیین تکلیف امید، به صلح پایدار و یک راه حل عادلانه نیست. یک اسرائیل قومی و مذهبی نمیتواند یکسوی یک صلح عادلانه در منطقه باشد. استقلال فلسطین یک گام مهم به جلوس است. این گام نه فقط ممکن است، بلکه اکنون دیگر اجتناب ناپذیر شده است. استقلال فلسطین تناسب قوا و چهارچوب تحول سیاسی در منطقه را بهبود میدهد. به نفع امنیت کودک فلسطینی و عابر اسرائیلی است. اما آزادی مردم فلسطین، خلاصی مردم اسرائیل از جنایاتی که بنامشان میشود و رهایی شان از موقعیت یک ملت ستمگر، خلاصی هر دو سو از تروریسم و نفرتی که قومگیری و مذهب در هر دو سوی این شکاف دامن میزنند به صرف استقلال فلسطین متحقق نمیشود. آزادی و رهایی در فلسطین و اسرائیل در گرو سوسیالیسم و سکولاریسم در کل منطقه است. در تشکیل کشور و یا کشورهایی که در آن مردم مستقل از تعلقات و یا تصورات قومی و ملی و مذهبی خویش، بعنوان شهروندان متساوی الحقوق جامعه برسمیت شناخته شوند. استقلال فلسطین کمک میکند که نبرد طبقاتی در اسرائیل و فلسطین هر دو اوج بگیرد. با استقلال فلسطین منطقه به چپ میچرخد. ... فلسطین؛ از استقلال تا آزادی - منصور حکمت

**بیانیه احزاب ...**

در بحران سیاسی عراق تغییراتی وجود آمده است. این تغییر که با قدرت گیری جریان‌های اسلام سیاسی شیعه از یک طرف و ناسیونالیسم کرده، بویژه حزب دمکرات کردستان، از طرف دیگر، مشخص می‌شود، در اساس تلاشی است برای تعیین مجدد و تغییر نقشه سیاسی عراق که در این چهارچوب و در تعیین این شرایط، نیروهای داعش و اسلام سیاسی سنی و ناسیونالیسم عربی به دنبال تحولات اخیر نقش چشمگیری بازی می‌کنند.

همزمان با تغییر و تحولات اخیر، کشمکش درون نیروهای اسلامی و قومی و هم پیمانان داعش بر سر قدرت و ثروت به مرحله جدید پا گذاشته که قابل برگشت به دوران قبل نیست. این که، کدام جناح و طرف از جریان‌های سیاسی اسلام سیاسی و ناسیونالیسم عرب، در عراق به قدرت می‌رسد، جایگاه اصلی ای در این کشمکش سیاسی پیدا کرده که هم اکنون در عراق به شیوه‌ی بسیار خونی و وحشتناک بار به انجام می‌رسد و جامعه را بر لبه‌ی پرتگاه سیاسی و ناامن و ترسناکی قرار داده است. این مرحله جدید نه تنها با این تغییرات بلکه با دست بالا پیدا کردن سیاسی و نظامی همه جانبه‌ی کشمکش‌های کنونی میان نیروهای گوناگون بورژوازی اسلامی و قومی هم، معرفی می‌گردد.

دولت مالکی و استراتژی کنترل نظامی مناطق شرق و شمال شرقی و همزمان ادامه‌ی سیاست تفرقه‌ی قومی و سرکوب ساکنان این منطقه، با شکست سختی مواجه شده است. این سیاست دلیل اساسی ایجاد شرایط بحرانی کنونی است. مالکی و دولت‌ش همزمان با تحولات جدید، تلاش کرده است که اوضاع را بطرف میلیتاریزه کردن جامعه و تشدید سرکوب و تثبیت کنترل میلیشیایی جامعه سوق دهد. مالکی مدام بلحاظ سیاسی و در عمل آتش قوم پرستی و کینه و نفرت قومی و طایفه‌گری را تحریک و شعله‌ور می‌کند! عروج داعش و ابراز وجودش در درون تحولات اخیر، بمثابة نیرویی موثر، در حال حاضر همه‌ی مرزهایی را که پیش‌تر با همه‌ی گروه و دار و دسته‌های مسلح دیگر منطقه، داشت را از بین برده است. نیروهایی که وانمود می‌کردند، در مقابل سرکوبگری‌های دولت مالکی، منافع مردم منطقه را

نمایندگی می‌کنند. ناسیونالیسم کرد و احزاب حاکم این جنبش، بخصوص حزب دمکران کردستان، از زاویه منافع خود، در این سناریو قرار گرفته‌اند. این نیروها با هدف استفاده از فرصت برای تأمین منافع ملی و حزبی‌شان، برای گسترش پایه‌ی قدرت و منابع ثروت شان و برای کشاندن مردم کردستان به دنبال افق، سیاست و استراتژی و اشاعه‌ی خوشباوری در میان ساکنین کردستان، در این باره که معضل مناطق مورد مشاجره را به نفع مردم خاتمه می‌دهند، به دخالت در این اوضاع پرداختند. حزب دمکرات کردستان به بهانه دفاع از حقوق مردم کردستان، می‌خواهد توده‌های مردم را به یک جنگ قومی و ارتجاعی بکشاند و آنها را در این جنگ قربانی کند. سیاست این حزب و تلاش‌شان برای برگزاری رفراندوم در منطقه کردستان و نواحی مورد مناقشه که احزاب ناسیونالیست کرد در بحبوحه‌ی اتفاقات موصل، به کنترل خود درآوردند تا بر این اساس استقلال کردستان بمشابه یک دولت را اعلام کنند، درحال حاضر در چهارچوب سیاست و نقشه ارتجاعی دول امپریالیستی و منطقه قرار دارد و عراق را به پرتگاه یک جنگ قومی و طایفه‌ای می‌کشاند که فلاکت و نکبت بیشتری برای توده‌های مردم زحمتکش را به دنبال خواهد داشت. شعار استقلال کردستان و رفراندوم زمانی می‌توانست راه حلی برای نجات کردستان از بن بست باشد که در آن قرار گرفته بود و تا هم اکنون هم می‌تواند این نقش را داشته باشد، بشرطی که این کار در شرایط مناسب انجام گیرد. اما آن زمان احزاب ناسیونالیست کرد با این شعار و راه حل مخالفست و دشمنی کردند. درحال حاضر این شعار چیزی جز فراخوان به شعله‌ور ساختن آتش جنگ قومی ویرانگر نیست.

اگر قرار است برگزاری یک رفراندوم برای استقلال کردستان و تعیین سرنوشت مناطق مورد مناقشه، انجام شود و جامعه را از جنگ و دشمنی قومی بیرون بکشد، لازمه‌اش سازمان دادن این رفراندوم در فضایی امن و آرام و تأمین همه‌ی آزادیهای سیاسی است. به نحوی که همه شهروندان به شیوه‌ی آزادانه و فارغ از هویت قومی و مذهبی در آن شرکت کنند. شروط سازماندهی یک رفراندوم آزاد، عبارتند از: خاتمه دادن به فضای تهدید و جنگ که بر سرنوشت مردم این منطقه سایه

افکنده است، خروج همه نیروهای دولت مرکزی و احزاب ناسیونالیست کرد و ایجاد فضایی آزاد برای همه احزاب و جریانات سیاسی و اجتماعی به مدت ۶ ماه تا برنامه و سیاستهای خود را تبلیغ کنند.

همچنین برای شهروندان مناطقی که بر اساس هویت قومی و مذهبی و نژادی تعریف شده‌اند شرایطی مناسب فراهم شود تا رای و نظر خود را برای تعیین آینده بهتر بیان کنند. بویژه جدا کردن این مناطق به شیوه‌ی نظامی و برگزاری رفراندوم در سایه فضای تهدید و کشمکش‌های قومی کنونی که حزب دمکرات کردستان آن را فراموش خواند، چیزی جز دامن زدن به جنگی طولانی مدت و تحریک کینه و نفرت قومی، نیست. روشن است که این سیاست، نتیجه‌ی این جز نکبت و خونریزی و تعمیق بیشتر فضای ناامن کنونی که مردم عراق و کردستان و این مناطق در آن بسر می‌برند، ندارد.

ما در حالیکه به حق برگزاری رفراندوم برای تعیین سرنوشت کردستان و تصمیم به استقلال و یا ماندن داوطلبانه در چهارچوب عراق و برگزاری یک رفراندوم برای تعیین تکلیف مناطق تحت مناقشه و فراهم کردن شرایط مناسب، پایبندیم، در همان حال معتقدیم که برگزاری رفراندوم در دل شرایط کنونی و خطرات امنیتی که مردم عراق و کردستان با آن روبرو هستند، به یک رفراندوم واقعی برای حل این مشکل ربطی ندارد. این سیاست در حال حاضر بهانه‌ای است برای کشاندن مردم عراق و کردستان بخصوص ساکنین مناطق تحت مناقشه به داخل کوره آتش جنگ قومی. علاوه بر این، پروژه تقسیم عراق بر اساس قومیت و مذهب به سه بخش و طایفه، آنطوری که بخشی از نیروهای بورژوا ناسیونالیست و قومی فراخوان می‌دهند و بعضی از نیروهای منطقه و بین المللی هم در دستور خود قرار داده‌اند، جز یک پروژه سیاسی ارتجاعی که در چهارچوب کشمکش‌های منطقه‌ای و امپریالیستی کنونی در صحنه عراق و منطقه در جریان است و به مثابه جزئی از جدال‌های خونی این دوره ظاهر می‌شوند، بیشتر نیست.

این تقسیمات، منافع دارودسته‌های بورژوازی قومی و اسلامی و عشیره‌ای، بر اساس تحمیل یک عقب نشینی به مردم و گروگان گرفتن‌شان تحت تسلط و جنگ

و جدال‌های این و آن دسته و قبیله، تأمین می‌کند. این، بیگانه فقر و فلاکت و تخریب و تشدید دشمنی قومی و نژادی در عراق و منطقه را با خود به همراه خواهد داشت.

پروژه تقسیم عراق نه بن بست کنونی را حل می‌کند و نه امنیت و آرامش را بدنبال خواهد داشت، بلکه آن را تعمیق کرده و ابعاد ترسناک و تخریب بیشتر را موجب خواهد شد. تقسیماتی که عراق را در بن بست و جنگ و ناامنی مداوم نگه داشته و آن را به چهارچوبی برای گسترش کشمکش‌ها در سطح منطقه‌ای تبدیل می‌کند. و توده‌های مردم زحمتکش را به جرگه نفرت قومی و نژادی مداوم می‌کشاند و خانه‌خرابی و خونریزی و تخریب روحی و روانی‌ای را به طبقه کارگر و مردم تحمیل می‌کند.

این پروژه، کنترل زندگی و سرنوشت شهروندان منطقه را به دارو دسته‌های قومی و عشیرتی قرون وسطایی و تحت تسلط قانون و سنت‌های ضد انسانی و ارتجاعی، می‌سپارد. همزمان با تحولات اخیر، عراق به مرحله جدیدی قدم گذاشته و مسایل و مشکلات جدیدی بر معضلات قدیم و همه بدیل‌های بورژوازی‌ای از اول تا آخرشان اضافه شده است که آینده‌ای سیاه و تاریک را بدنبال خواهد داشت. صفوف طبقه بورژوازی پخش و پراکنده است و قدرتمندان حاکم هم دچار بحران و ناتوانی در یافتن راه حلی برای بحران کنونی عراق و منطقه، هستند. در چنین سناریویی هیچ راهی برای طبقه کارگر و کمونیست‌ها و جوانان آزادیخواه و توده مردم محروم باقی نمانده جز، پیشقدمی و تلاش برای تقویت مبارزه‌شان برای خاتمه دادن به بن بست کنونی و تحمیل یک عقب نشینی به همه نیروهای بورژوازی و نیروهای اسلامی و قومی که خود را به جامعه تحمیل کرده‌اند. جنگ کنونی و همه نیروهای گوناگون قومی و اسلامی طبقه بورژوازی دخیل در این جنگ، بر ضد زندگی و منافع طبقه کارگر و همه آزادیخواهان عراق و کردستان است. طبقه کارگر و توده‌های محروم هیچ دشمنی با هم ندارند و خارج از هویت ساختگی قومی و مذهبی یک سرنوشت و یک منفعت دارند و آن همبستگی و اتحاد صفوف مبارزه‌شان است. منفعت طبقه کارگر و مبارزه‌رهایی بخش‌اش در عراق و کردستان، می‌طلبند که در دام خوشباوری و سیاستهای



مرکز بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

فریبکارانه هیچ بخش و جناح قومی و دینی به بهانه منافع جدا از هم کرد و عرب و ترکمان و شیعه و سنی نیفتند. وظیفه فوری ما این است که در مقابل سیاست و جنگ و جدال ارتجاعی همه نیروهای بورژوازی، با ایجاد یک صف مستقل، سد بیندیم و سیاست و نقشه هایشان را به شکست بکشانیم و به عقب نشینی وادارشان کنیم.

بدیل و آلترناتیو هر دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان و راه حل شان برای معضلات و محرومیت های توده ی مردم و استقرار جامعه ای آزاد و برابر و امن، عبارت است از تلاش برای، گسترش مبارزه رهایی بخش و متحدانه طبقه کارگر در عراق و کردستان، خاتمه دادن به قدرت و حاکمیت و تسلط جریانان گوناگون بورژوازی و برای استقرار حکومت کارگری. حکومتی که سرمایه داری را بر چیده و بر خرابه های آن جامعه سوسیالیستی را می سازد.

جنبش کمونیستی و کارگری در عراق و کردستان و هر دو حزب، در مقابل وظیفه ای بزرگ تاریخی و تحولاتی ترسناک که امروز دامن جامعه را گرفته است، قرار گرفته است. سازماندهی مبارزه سیاسی توده های انقلابی که طبقه کارگر و احزاب کمونیست در پیشاپیش همه استثمارشدگان و محرومان در عراق قرار گرفته باشند، درمقابل همه نیروها و جناح های بورژوازی اسلامی و قومی و آتلهایی حاکمیت خود را بر مردم تحمیل کرده اند و به میدان آوردن اراده سیاسی و انقلابی مستقل، گام بزرگی در پروسه ی مبارزه رهایی بخش کنونی و پیشرفت اجتماعی است. این گام هم، با شکست دادن جنگی که نیروهای قومی و اسلامی بورژوازی و در ارتباط به جدالهای منطقه ای و بین المللی بر سر نداشت سیاسی عراق و منطقه تحمیل کرده اند، با شکست دادن تالشهای جنگ طلبانه این نیروها و کشاندن توده های مردم به این میدان و ایستادگی جسورانه در مقابل تحریک احساسات نژادی و کینه ی قومی در میان مردم... برداشته می شود. و برای دفاع از خود در مقابل تهدیدات همه دارو دسته های میلشیا و تروریست و سد بستن بر سر راه نیروهای حاکم در مقابل تعرض آنها به سطح معیشت و زندگی توده های مردم به بهانه جنگ. باید با سازماندهی مبارزه ای سیاسی و نظامی و توده ای مستقل از نیروهای بورژوازی، جلو نیروهای داعش و بعثی ها و

تروریست های دیگر را گرفت و اجازه نداد که در هیچ گوشه ای از عراق دست بالا داشته باشند. در رابطه با همه آن مسائلی که مطرح شد، هر دو حزب در برابر اوضاع کنونی سیاست و اقدامات زیر را در دستور خود قرار می دهند. بیگمان تبدیل این سیاست عمومی به نقشه عمل و اتخاذ سیاست و تاکتیک معین برای مرحله کنونی مبارزه انقلابی، یک اقدام عاجل است.

۱- هر دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان برای متحد کردن صف مبارزه طبقه کارگر و توده های محروم در یک صف و جنبش سیاسی مشترک و مستقل، بر علیه جنگ و شرایط کنونی و کشمکش درون همه نیروهای بورژوازی، اسلامی و قومی و عشیرتی که در جریان است، تلاش می کنند. ما برای سازماندهی مقاومت متحدانه توده های مردم در عراق و کردستان و ایجاد یک جنبش سیاسی قدرتمند علیه جنگ و اوضاع کنونی و جدالهایی که در جریان اند، مبارزه می کنیم، تا یک عقب نشینی را به همه نیروهای ارتجاعی تحمیل کرده و عراق را از این تنگنا و تهدیدات کنونی بیرون بکشیم.

۲- سازماندهی نیروی مسلح و مقاومت مسلحانه توده ای علیه نیروهای داعش و دارو دسته های تروریست در نواحی ای که تسلط یافته اند. این مقاومتی مستقل از همه نیروهای اسلام سیاسی شیعه و ناسیونالیسم کرد در محلات و شهرها خواهد بود. همزمان، هر جناح سیاسی را که از داعش و تروریست هایی که دشمن بشریت متمدن است و باید در عراق و منطقه ریشه کن شوند، حمایت می کند، افشا و رسوا می کنیم.

۳- افشا و رسوا کردن نقش نیروهای بورژوا قومی و اسلامی در عراق و کردستان و تشدید مبارزه برای خاتمه دادن به قدرت سیاسی و حاکمیت شان که بر اساس امتیازات قومی و نژادی استقرار یافته است. همزمان اعلام اینکه این نیروها در قبال کشاندن عراق به جرگه یک جنگ ارتجاعی، قومی و عشیرتی که موجب تنگنای سیاسی و تخریب امنیت کنونی و تداوم خونریزی ای که ۱۱ سال است در جریان است، مسوول هستند. مبارزه در راه خاتمه دادن به حکومت مالکی بمثابه یک حکومت بورژوازی و عشیرتی و سرکوبگر و افشای سیاست و عملکردهای این دولت.

۴- مبارزه پیگیر علیه آتش کینه و نفرت و دشمنی قومی که از جانب احزاب و جریانان ناسیونالیست کرد و عرب تحریک و بر افروخته می شود. هر دو حزب کمونیست کارگری برای تأمین بیشترین پیوند مبارزاتی میان طبقه کارگر و توده های زحمتکش کردستان و عراق در جهت منفعت و سرنوشت مشترک و مرز کشیدن با جریانان بورژوا ناسیونالیست، مبارزه می کنند و فراخوان می دهند.

۵- مبارزه مجدانه علیه تقسیم و قطب بندیهای عشیرتی و دامن زدن به آتش دشمنی نژادی که جریانان اسلامی به آن دست می زنند.

۶- مبارزه علیه تحمیل فضای جنگی و نظامی بر جامعه از جانب نیروهای حاکم در عراق و کردستان. سازماندهی نارضایتی های توده مردم در مقابل سیاست های جنگی و سرکوبگری حاکمان که بمنظور خفه کردن حقوق و آزادی های مدنی مورد استفاده قرار میگیرد. سازماندهی نارضایتی کارگران و نیروهای مردم در مقابل تأثیرات مخرب و عواقب اقتصادی و اجتماعی جنگ کنونی بر زندگی و معیشت مردم.

۷- ایستادگی قاطعانه در مقابل دخات دولت های منطقه و کشورهای امپریالیستی از طریق ایجاد همبستگی با جنبش کارگری و نیروهای مترقی در منطقه و جهان. تشدید فشار بر این دولتهای ارتجاعی و عقب نشاندن آن ها.

۸- هر دو حزب به کمک آوارگان جنگی و خسارت دیدگان مناطق جنگ زده خواهند شتافت. تجدید فعالیت و نقش فدراسیون پناهندگان عراق و سپردن مسوولیت به رفقایی که در داخل عراق و نواحی موصل و تکریت و سامره و انبار و کرکوک مشغول فعالیت اند. همچنین فعال کردن نقش تشکیلاتهای حزب کمونیست کارگری کردستان در رساندن کمک به آوارگان و مقابله با هر گونه رفتار شونیبستی قومی و نژادی بر علیه آنها.

۹- تبلیغ سازمانیافته و مداوم بر ضد هر گونه تقسیم قومی و عشیرتی عراق بمثابه ی یک پروژه قومی و اسلامی و عشیرتی که هیچ ربطی به منافع طبقه کارگر و مردم عراق و

منطقه ندارد. در شرایط کنونی ایجاد مناطق جدا از هم چیزی جز سپردن قدرت به نیروهای ارتجاعی قومی و اسلامی و عشیرتی و تسلط شان بر سرنوشت مردم این منطقه نیست.

۱۰- مبارزه مداوم برای جدا کردن و بیرون کشیدن صفوف کارگران و زحمتکشان از تسلط نفوذ جریانان قومی و اسلامی و عشیرتی و نجات دادنشان از افق سیاسی این نیروها. افشای سیاستهای بورژوازی از قبیل، "دفاع از میهن" که از طرف مالکی و جریانان اسلامی شیعی تبلیغ و فراخوان داده می شود. افشای پروپاگاندا ناسیونالیسم کرد و احزاب حاکم برای رسیدن به اهداف خود در این باره که تحولات کنونی فرصتی ایجاد کرده است. همچنین افشای منافع پشت پرده ناسیونالیسم عرب و اسلام سیاسی سنی که تحت پوشش مبارزه با ستم و دفاع از منافع مردم در نواحی سنی مذهب که اکنون گرفتار جنگ خانمانسوز شده اند، تبلیغ و خود را نشان می دهد.

۱۱- فعالیت در جهت تقویت اتحاد مبارزه طبقه کارگر و کمونیست های منطقه و خاورمیانه و تبدیل آن به نیرویی موثر در جهت تحمیل عقب نشینی به قطب های منطقه ای و امپریالیست ها و به شکست کشاندن استراتژی و سیاست های ارتجاعیشان در سطح عراق و منطقه.

ما طبقه کارگر، کمونیست ها و سوسیالیست ها، نیروهای چپ و آزادیخواه و انساندوست جهان را برای همبستگی با مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان و هر دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان، برای نجات عراق و کردستان از تنگنای کنونی و تحقق آزادی و برابری و دنیای بهتر فراموش نکنیم!

**دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق**  
**دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری کردستان ۱ ژوئیه ۲۰۱۴**

**www.hekmatist.com**  
سر دبیر: فواد عبد اللهی  
fuaduk@gmail.com  
تماس با حزب  
hekmatistparty@gmail.com

حکمتیست هفتگی را بخوانید و آنرا وسیعاً توزیع کنید.

**کارگران جهان متحد شوید!**